

نظامی قبل از هشتقرن اختلافات نژادی و مذهبی را مورد انتقاد قرار داده و فرموده است

این خرابت همان است در آن رنداند

شاهد و شمع و شراب و شکر و نای و سرود

هر چه در جمله آفاق در آن جا حاضر

مؤمن و ارمی و گبر و نصارا و بهود

گر تو خواهی که دم از صحبت ایشان بزنی

خاک پای همه شو تا که بیا بی مقصود

شیخ نظامی بواسطه علو طبع بسلاطین، امرا و متمرکین اعتنائی نداشته تمام اوقات را در خاتمه خود که در کنار شهر واقع بود بسر برده قزل ارسلان با آن قدرت و جلالت و با آن غرور و نخوتیکه داشته که از بوسیدن دست سلطان عصر (طغرل) با اینکه مرسوم بوده است امتناع می کند ولی در مدافع زیارت شیخ منتهای خضوع و خشوع را معمول و از بوسیدن دست شیخ افتخار مینماید.

همین قزل ارسلان در یکی از مسافرتهاى خود در شش فرسنگی شهر گنجه رحل اقامت انداخته بزم عیش و طرب تهیه نموده بود محض اینکه مسبوق میشود که نظامی بدیدن او میاید فررا مجلس طرب را بهم زده شیخ را استقبال و مشغول پذیرائی و استماع نصاب و اندرز های حکیمانه او میشود و در همان مجلس قریه حمدانیان را به ملکیت اندی شیخ واگذار و به التماس و اصرار قول قبول می گیرد مقبره شیخ در همان قریه است که اکنون به اسم احمدلو معروف است.

مقبره نظامی در نزدیکی شهر قدیم گنجه واقع و تا قلعه قزل ارسلان که هنوز آثار خرابه های آن باقی است فاصله کمی دارد.

شهر قدیم گنجه از طرف طوایف ترك در کنار رودخانه معروف به (گن چای) بنا گردیده و به نام همین رود خانه موسوم شده است .

گنجه مخفف گن چای است (رودخانه بهن) شهر گنجه قدیم تا قرن یازدهم میلادی آباد بوده است شهر گنجه کنونی را شاه عباس صفوی در تاریخ ۱۰۴۰ بنا کرده است .

شیخ نظامی از شهر و از اخلاق شهری ها متنفّر و متأثر گردیده در کنار شهر خاقانی بنا کرده شهری ها را وداع ابدی گفته عمر باقی مانده را در آن خاقان باختر رسانده و در نکوهش اهالی گنجه و اظهار تنفر از اخلاقی ایشان این فرد را در اواخر حیات سروده است .

زما زحمت خویش دارید دور
شما و این سرا ما و دارا سرور
(نظامی مکرر از افامت گنجه اظهار کدورت و ملالت نموده است) . مترجم

اسم نظامی الیاس ابن یوسف ابن مؤبد و اصلا از اهالی تفرش قم است پدر نظامی یوسف در ایام جوانی از ایران (تفرش) کوچ کرده در گنجه رحل افامت انداخته و در آنجا متاهل شده نظامی در تاریخ ۵۲۰ هجری در گنجه تولد و نشو و نما یافته و در همان جا تحصیل نموده در افکار عالیہ شاعری بمقامی رسید که احدی از شعرای بزرگ آن عصر بدان مقام نایل شده و به اندازه ای معروف و مشهور گردید که یکی از ارکان اربعه ادب بشمار آمد (فردوسی نظامی سعدی انوری)

شیخ نظامی ۸۶ سال زندگی کرده و از قرار معلوم در تمام این مدت از شهر گنجه خارج شده عمر خود را در همان صومعه به مطالعه کتب و انشاء منظومه ها و ترتیب و تدوین آنها صرف نموده

تا در تاریخ ۶۵۶ هجری وفات کرده بعد از مدتی یکی از مریدان او اشعار و منظومه های او را مرتب و بخشمه نظامی موسوم ساخته است .

شیخ نظامی را علاوه بر خشمه اشعار زیادی است که هنوز طبع و نشر نشده است (امید است با همت حضرت وحید تصاید و اشعار شیخ بزرگوار جمع آوری و در معرض مطالعه عمومی گذاشته شود) مترجم

قبر شیخ نظامی در يك در سنگی شهر گنجه کنونی بشکل خرابه ای در وسط بیابان واقع است (مانند قبور سایر بزرگان ملی ایران) مترجم

يك قرن قبل از این شخص از اهالی قراق (آبی کوزل نام) آن مقبره را تعمیر و بعد از او نیز یکی از اولاد همین شخص (عسگر آدی کوزل اف) رئیس ساق ندر به گنجه مرمت کاری کرد از آن تاریخ بعد احادی در مقام تعمیر آن بنام مقبره و گنبد آن بالتعمام ریخته و خراب گردید

در تاریخ ۱۹۲۲ میلادی (که سال قبل از این) کمیسیون از معارف خواهان گنجه بنام کمیسیون نظامی تشکیل گردید و از این کمیسیون اشخاص ذیل (میرزا محمد آخوند زاده مرحوم شاعر ، معلم جراد بيك رفیع بيك اف مورخ ، میر کاظم میر سلیمان زاده معلم) برای امور اداری انتخاب و قراردادند که وجهی از طریق اعانه و تیاتر و گردن یازتی جمع آوری کرده جنازه نظامی را از محل حلبه که در بیابان واقع است بداخل شهر نقل نموده در میدانی که مقابل مسجد شاه عباس است مقبره علی بنا کرده دفن نمایند در تاریخ ۱۹۲۳ در ماه مارت روسی شروع به عملیات نمودند بعد از آنکه سنک و خاک هارا که مانند تلی بود خارج کردند مقابل درب

مقبره قبری پیدا شده ان را شکافته استخوانهای سفید و نازک و کوچکی بیرون آمده قبلا همین استخوانها را جنازه نظامی تصور کرده میان صندوقی میگذارند سپس از نازکی و سفیدی استخوانها تردیدی حاصل شده مجدداً بکندن سطح دوم شروع میکنند به عمق بک ذرع که کنده می شود بنا بر پایه های گنبد ظاهر گشته و در یثین مقبره سنگی با ارتفاع ده گره در کنار دیوار پدیدار و در اطراف ان سنک ریک و خاک های زرد رنگ مشاهده میکنند همین که خاک و ریگها را بیرون آورده و مقدار دو ذرع دیگر زمین را حفر میکنند دیواری از سنک ظاهر میشود بعد از خراب کردن این دیوار سنگی بدخمه میرسند که بک قسمت سقف ان دخمه بواسطه فشار سنک و خاک زیاد ریخته و خراب شده بود پس از آنکه سنک و خاکها را از دخمه بیرون می آورند اسکلتی در میان صندوق چوبی پیدا شده که طول ان دو ذرع و دوازده گره بوده است (ذرع روسی است) جمجمه سر و استخوانهای اعضاء از آثار جنازه سالم و پارچه های صندوق معلوم بود که در دفن جنازه نظامی کمال احترام معمول و منظور شده است اضافه بر کفن معمولی جنازه را با یک طاقه شال ترمه کلاه شاندر و طاقه صندوق را نیز با شال ترمه دیگری پیچیده اند که بعضی تنگ های شال در اطراف صندوق باقی بوده که بموزه دولتی باکو حلی گردیده است (۱)

(۱) احتمال دارد این جنازه از کنیزک قبیله قشقایی معشوقه نظامی

باشد که مسمی با لاق بوده و حکایت عاشقانه خسرو و شیرین را نظامی

بیاد او سروده است چنانچه در آجر کذاب خسرو و شیرین تصریح می

شود مباد اینک این افسانه شیرین را بنام شیرین از ان سبب پایان بردم

که شیرین در همه چیز مانند معشوقه من بود

(سبک رو چون بت قبیله قشقایی من بود) (تو پیداری که خود آفاق من بود)

[وحید]

جنازه اولیه که از قبر بیرون آمد معلوم نشد از کی بوده و در چه زمانی فوت کرده است از آثار و علام واضح بود که نعش دختری بوده و در تدفین آن نیز احتراعات فرقی العاده مراعات و با حریر تکفین شده است

جنازه نظامی مطابق عادات معموله ترکها در میان دخمه گذاشته شده بود. کمیسیون نظامی استخوانهای نظامی را بهمان صندوقی که استخوانهای دختر بوده گذارده در دو ورسی شهر گنجه (یک میدانی) در میان باغ امانت میگذارند تا بعد از اتمام مقبره جدید بدانجا نقل نمایند

(بواسطه پاره تصادفات و فوت رئیس کمیسیون نظامی جنازه نظامی مدتها در آن باغ میماند) مترجم

در این موقع کمیته تنبئات آذربایجان (کفتاز) از این وقایع مسبوق این جانب را برای تحقیق و تفتیش کامل واقعه و تدفین جنازه انتخاب و به شهر گنجه اعزام میدارند. بعد از ورود به گنجه (اوایل ماه اکتیابر) با کمیسیون نظامی ملاقات و تحصیل اطلاعات کرده مقصد خود را باعضاء کمیسیون و حکومت محلی اظهار و باهمراهی دو نفر نماینده ایشان بمحل مقبره رفته بعد از معاینه آن را کاملاً مرمت و تعمیر نموده جنازه نظامی را آورده در همان مقبره اولیه دفن نمودم بواسطه اینکه استخوانهای نظامی با استخوانهای دخنر مخلوط و جدا کردن امکان نداشت بعلاوه استخوانهای نظامی از هم مجزی و رنگ آن قهوه‌ای و شروع پوسیدن گذاشته بود نتوانستم عکس از آن برداشته ناچار با همان حال مراسم تدفین بعمل آمد (۱) معلومات دیگری که بدست آمد این است از قرار اظهار یک نفر پیرمرد دهاتی که در آن حوالی

(۱) این اختلاط جسمانی نتیجه اختلاط روحانی عاقل و معشوق است [وحید]

سگنی داشته تقریباً چهل و پنجسال قبل از این هیئتی از فرنگیان «فرانس» بان صفحات آمده مخفیانه مشهور حفر قبر نظامی شده پاره سنگهای حکاکی و قاری شده و بعضی آثار عمیق دیگر از آنجا بیرون آورده میخواهند ببرند در این اثناء اهالی قریه «حاجی، لیکالی» مسبوق و در رقم جلوگیری برمی آیند تا بالاخره يك بارچه از آن سنگها را که محکوک و از زیر سر جنازه نظامی برداشته بودند از دست فرنگها می گیرند بعد از مدتی با اقرامات دولت فرنگ (فرانس) مجدداً آن سنگ را از دهانها مسترد میدارند.

روز جمعه ۱۶ اکتیابر با حضور اعضاء کمیسیون نظامی و نماینده

شهر گنجه این عملیات انجام گرفت

میرعباس میر باقرزاده

سید عبدالرحیم خلیلی

آخر شهریور ۱۳۰۴

رساله تکوین

بقیه از سال پنجم بمناسبت اینکم بقیه رساله دیر رسید در شماره اول و دوم از درج مجرور ماندیم اینک مرتباً تا آخر این سال طبع و بانجام خواهد رسید

جوهر پانزدهم توبه و ترقی و سقوط کرات و احوال آنها

روی همرفته طبیعت همه اشیا تکوینیه از اثیر و کرات و عناصر و موالید و بسایط و مرکبات (لوحی و طبیعه) روی بکمال و ترقی دارند مادام که در مراتب سلوک وجودی سقوطی از برای آنها حاصل نشده باشد و در صورت سقوط باز ناچارند از توبه تکوینی و رجوع بکمال ذاتی خود چه تبدلانی که در انواع و اجناس حیوانات روی داده و قاصیلهای آنها بما نشان میدهند که عالم کون و کینونات اجسام در ترقی است ولی